

عکاسی هنری

فاطمه خماسی

عکاسی به کمک نور نرم و لطیف، به موضوع جانوری هنری شخصی می‌داند. اما در این باره در به‌هش‌های حدوداً باره‌ی طبیعت بی‌جان، بازنمای نورهایی را که از اشیای شیشه‌ای منعکس (احدای تصویر) منعکس می‌شوند، نرم‌تر می‌کردند. مظهرها و چشم اندازه‌های خجسته‌ها در عکاسی نور مورد توجه ایشان بود. عکاسی تصویری که به امپرسیونیسم متکی بود، از حدود سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۳۰ ادامه یافت و اوج آن در سال ۱۹۱۰ بود. روبروت هاشی و کنستانت پوپو، از عکاسان و پیشگامان برجسته‌ی این سبک بودند.

از لحاظ فنی عکاسی تصویری، وابستگی آن به اصول فیزیکی بود که با ویژگی‌های بیانی و شخصیتی عکاس هم‌خوانی نداشت.

عکاسی مستند و وضوح تصویر

این شیوه در زمان جنگ جهانی اول اهمیت بیشتری یافت. در زمانی که عکاسان تصویری از تیردستی نقاشی استفاده می‌کردند، عکاسان دیگری بودند که به وضوح تصویر و نگاه به عنوان عامل اصلی برای ایجاد تصویر مثبت، اهمیت می‌دادند. به‌ویژه در عکاسی مستند البته پیامدهای مهم‌تر این شیوه در سال‌های ۱۹۱۸ (پایان جنگ جهانی اول) دیده می‌شود که جنگ به عنوان مرحله‌ی انتقالی بین مفاهیم قدیمی‌تر و جدید عمل کرد. از عکاسان برجسته‌ی این دوران آوزن آنزه، ژاک هنری لارنیک و پل مارتین را می‌توان نام برد.

کرایشات پیشرو (آوانگارد) در هنر عکاسی

عکاسی از آغاز به عنوان وسیله‌ای برای ثبت لحظه‌ها پدید آمد. اما در می‌عکاسان آن زمان هنری بی‌نظیر یافتند. به‌ویژه در خدمت بیان هنری خود از آن استفاده کردند. عکاسی هنری در آن زمان، پدیده‌ای بود که به‌وضوح و زوایای یک‌بار هنری در آن که یاد به مفهوم سبک‌ها می‌رفتند. در آن زمان، عکاسان و نقاشان هنری از این هنر و چندان‌تر از آنکه در گذشته هیچ بازمانده‌ای از هنرمندان، بدون بدون خاصی در باب نحوه‌ی عمل در عکاسی ارائه کرده‌اند. بدین عکاسان، به‌نظر با ایجاد کنونی به نقاشی از هنرهای دیگر، از جمله نقاشی و مجسمه‌سازی، عمل کرده‌اند. این کارها در پرده‌ها نیز دیده‌اند.

عکاسی تصویری (امپرسیونیسم عکاسی)

این سبک را به آچی ریلندر که به عنوان بنیان‌گذار عکاسی بی‌بندی نامیده می‌دهند، می‌توان دانست. نوعی عکاسی شبیه به نقاشی به وجود آورد که به «تصویرکام» معروف شد. متکی به سبک امپرسیونیسم در نقاشی بود. در کشورهای اروپایی و آلمان از وی به عنوان عکاس هنری یاد شد. در نقاشی امپرسیونیسم که نقاشان این سبک از عکاسی الهام گرفتند، قصد این بود که همان عکاسی، تصاویری رودکار و آبی ارائه شود. ولی آثار این نقاشان از دقت و جزئیات واضح برخوردار نبود.

عکاسان هنری، به عکاسی پرتیر نیز توجه داشتند و می‌گوشیدند در این زمینه، آثار هنری و شیوه‌های متفاوتی را به وجود آورند. آنان با به‌وجود آوردن همه‌ی فضایی به‌هم پیوسته

روزنامه‌های هنر
 دوره پنجم / شماره چهار
 تابستان ۱۳۸۷

● فوتوریسم

عنصر زمان و سرعت و تحرک تنهاجه آمیز و پویایی ماهیابی، از مشخصات اصلی مکتب فوتوریسم است. این مکتب در آثار براگا گالیا به وجود آمده. وی در عکس‌هایش از حالت محو یک حرکت استفاده کرد و گاه یک کدر را چندین بار نور می‌داد تا تصویر یک موضوع چندین بار ثبت شود. بدین ترتیب، حسی از پویایی و حرکت را پدید آورد.

● کویسیم

آثار نقاشان کویسیم، از جمله پیکاسو، برخی از عکاسان را طوری تحت تأثیر قرار داد که با کنار هم قرار دادن نماهایی از زاویه‌های متفاوت، موضوع را شکل می‌دند. این شیوه را کابورن به استفاده از بازتاب تصویر در سه آینه تجربه کرد و کوشید. عکس‌هایی همانند نقاشی کویسیم پدید آورد.

● داداتیسم

این سبک متأثر از جنگ جهانی اول و به استفاده از کلاژهایی از عناصر بصری بود که هیچ ارتباط منطقی با هم نداشتند. کریستین شاد از پیشگامان این مکتب بود. وی در سال ۱۹۱۸ سعی کرد، با قراردادن قطعات خرد شده در مقابل لایه‌ی حساس به نور صفحات یا کاغذ عکاسی، و نوردهی و ظهور آن، ترکیب بندهایی شبیه به آثار کلاژ داداتیست‌ها پدید آورد. هم‌چنین، آثار به اصطلاح حاضر و آماده‌ی مارسل دوشان که عبارت بودند از اشیاء و محصولات روزمره و به عنوان آثار هنری تعبیر می‌شدند، به نحوی در آثار عکاسان نیز نمود یافتند.

● جنبش عینیت نوین و گروه F64

این جنبش که برای اولین بار در رابطه با سبک نقاشی

رتائستی و در دوران پس از جنگ جهانی اول مطرح شد، بر دقت و وضوح تصویر تأکید زیادی داشت که بعدها «عینیت نوین» نام گرفت. عکاسانی که خود را وقف این جنبش کردند، تمام نیروی خود را صرف تجسم اداه‌ی روشن و واضح بخشی از واقعیت متمرکز کرده بودند و روی جنبه‌های گوناگون زیبایی‌شناسی روزمره که در شیوعی و هیجانی زندگی مدرن به آن‌ها توجه نمی‌شود، تأکید داشتند. این گرایش را می‌توان در آثار عکاسی جرج آلبرت زنگر پانچ، آگوست ساندر، اتو هوپه، الکساندر دودوچنکو، پل استراند و اعضای گروه «F64» یعنی ادوارد وستون و آنسل آدامز یافت. این گروه به‌طور داشتند، بیشترین میان وضوحی که ثبت جزئیات تصویر را امکان‌پذیر می‌سازد، درجه‌ی دربارگم ۶۴ است.

● گرایش‌ات سوررئالیستی

ویژگی این جنبش در نقاشی‌ها، بوتون، واعظ و نظریه‌پرداز این مکتب، چنین بیان می‌کند: هنرمند، قدرت خلاقه‌ی فسیب را خودآگاه خود را، فرغ از حس‌های تحسینی، عقلانی و منطقی در پاسخ به و کنش‌های هنری‌ها می‌سازد. در این جنبش، همه‌چیز رمزآلود و غیرحقیقی است. در عکاسی نیز تحت تأثیر این مکتب، ترکیب‌بندی‌هایی به وجود آمدند که به خاطر تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر بیننده می‌گذراند، به شیء یافت شده، شهرت یافتند. ویژگی‌های عکاس سوررئالیستی عبارت‌اند از:

۱. ترکیب‌بندی‌های غیر واقعی؛
۲. منابع نوری گوناگون؛
۳. فاصله‌های غیر معمول بین دوربین و موضوع؛



البوت اروین

دوره پنجم شماره چهار
تابستان ۱۳۸۷
شماره ۶۶
رشد آموزش هنر

تصور حرکت را در ذهن ایجاد می‌کرد. از عکاسان برجسته‌ی این گرایش می‌توان اریک سالامون، آلفرت ایرنشتات، بوریس ایگناتوویچ و هنری کارپته برسون را نام برد.

● گرایش انسانی

در دوران پس از پایان جنگ جهانی دوم که همراه با صلح و آرامش بود، شیوه‌ی جدید دیگری در عکاسی به وجود آمد. عکاسان در این شیوه می‌کوشیدند، وضعیت و شرایط انسانی را همراه با سنت‌های ملی و مذهبی متفاوت برجسته کنند و به نمایش بگذارند.

ادوارد جی اشتاینخن و اعضای گروه «مگنوم»، هم‌چون ورنو بیشاف، کارته برسون، رابرت کاپا و دیوید سیمور از عکاسان گرایش انسانی هستند. اعضای گروه مگنوم که در سال ۱۹۷۴ تأسیس شد، از ملیت‌های متفاوت بودند و در مطبوعات آن دوران کار می‌کردند.

● عکاسی انتزاعی

کار عکاسان این مکتب درست شبیه نقاشی انتزاعی است. در این روش، عکاسان تلاش داشتند تا جلوه‌ی انتزاعی و دو بعدی از اشیاء و صحنه‌ها ارائه دهند. عکس‌های آن‌ها عملاً فاقد هرگونه جلوه‌ی واقعی بود. از عکاسان برجسته‌ی این گرایش میتوان به لئارت اولسون، هلمر پترسون و آرون سیس کنید اشاره کرد.

● عکاسی ذهنی

عکاسی ذهنی براساس فرضیه‌های «اتو اشتالینز» به وجود

از جمله عکاسان معروف این گرایش می‌توان به نیند ریچ اشتروسیک، میل برانت و ژوزف اهم اشاره کرد. اوژن آتزه را پدر سوررئالیسم در عکاسی می‌دانند که عکاس پنجره‌ها و محسمه‌ها بود. او لطف شاعرانه اشیای را آشکار می‌کرد.

● عکاسی در فاصله‌ی دو جنگ جهانی (عکاسی زنده)

این گرایش، به دلیل تغییر و تحولات سریع دوران، یعنی شکستن رسوه، ایجاد ساختار اجتماعی جدید، و پیشرفت‌های تکنیکی در ساخت دوربین‌ها، عکاسان زیادی را با خود همراه کرد. از رایج‌ترین گرایش‌های عکاسی در این دوران، «عکاسی زنده» بود. عکاس این امکان را داشت که خیلی سریع واکنش نشان دهد و به تدریج به دلیل پیوند آن با حوادث زندگی جاری، نقش مهم در مطبوعات یافت. آثار این نوع عکاسی، بارها به عنوان یک سند اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. این عکاسان، تحولات اجتماعی را به وسیله‌ی تکنیک‌هایی که گویای پویایی عناصر تصویر بودند، بازتابی کردند که در آن‌ها، محور بودن عمدی تصویر در برخی عناصر متحرک هویدا بود. این گرایش، به زودی به عنوان روشی با اهمیت به رسمیت شناخته شد. در این روش، انتخاب لحظه‌ای که یک واکنش پوی را نشان می‌داد، بسیار مهم بود. انتخاب لحظه‌ی مناسب نزد برخی از عکاسان، لحظه‌ی قبل از وقوع حادثه بود و نه خود لحظه‌ی وقوع. زیرایننده وادار می‌شد، رویدادهای بعدی وقوع حادثه را در ذهنش دنبال کند. آن‌گاه هیجانی که حاصل می‌شد،

آمد که به تعبیر فردی از واقعیت به وامطه‌ی تجسم ذهنی تصویری گرایش داشت.

قواعد اصلی این گرایش عبارت‌اند از:

۱. میجزا ساختن موضوع از طبیعت؛
۲. تغییر در پرسپکتیو عکس؛
۳. اهمیت دادن به ارزش سایه روشن‌ها.

● رئالیسم جادویی

در این سبک، عکاسان بیشتر به جزئیات توجه داشتند و کارشان شباهت زیادی به سوررئالیسم داشت؛ البته با یک تفاوت: موضوع‌هایی که آگاهانه تصویر می‌شدند، هویت اصلی خویش را در عکس‌ها از دست نمی‌دادند، بلکه موضوع به گونه‌ای تصویر می‌شد که جنبه‌ای جادویی به خود بگیرد. از عکاسان برجسته‌ی رئالیسم جادویی می‌توان به دنیس بریهات، رابرت هاووز، والتر دنز و رنه گراودی اشاره کرد.

● پاپ آرت

پاپ آرت یکی دیگر از گرایش‌هایی بود که تحت تأثیر یکی از سبک‌های تجسمی ظهور یافت. از دنیسی مصرفی انتقاد می‌کرد و ابتداءً رابه صورت‌های خیال و روی می‌کشاند. سعی بر آن داشت که سطح زندگی را از ورای تولید انبوه نمایان سازد. این سبک تمام فرآورده‌های دنیای مصرفی و زندگی شهری را که از طریق بصری می‌شد درک کرد، به گونه‌ای رمانتیک ارائه می‌داد. عکاسان پاپ آرت، از شیوه‌های فتومونتاژ، کلاژ و چاپ روزی کریاس استفاده می‌کردند. از عکاسان برجسته‌ی این سبک می‌توان به ریچارد همیلتون، رابرت هاووز و رینهارد شوپرت اشاره کرد.

● رئالیسم عکاسی

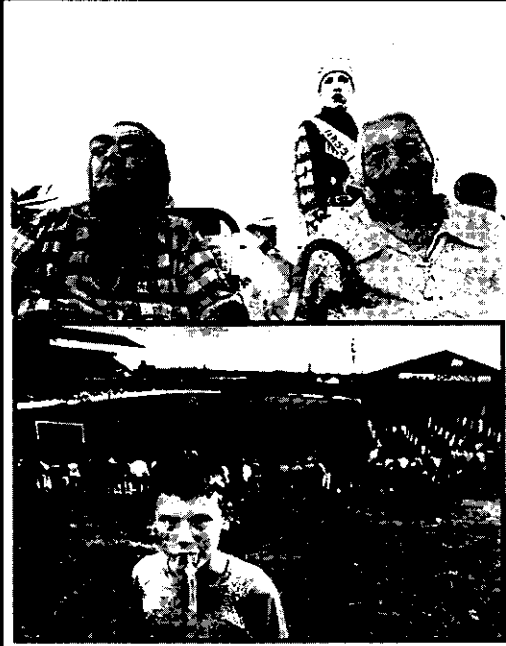
این شیوه در عکاسی، نتیجه‌ی تقلید نقاشان از عکس‌های فی‌البداهه بود که تأثیر جدیدی بر کار عکاسان نهاد. این سبک زاده‌ی تأثیر عکاسی بر نقاشان امپرسیونیسم نیز شاهد بودیم. از ویژگی‌های رئالیسم عکاسی می‌توان به تقلید کامل در ترکیب‌بندی عکس و حتی استفاده از عیوب و نواقص تکنیکی دوربین در ثبت عکس نام برد. به‌طور کلی، مشخصه‌ی این سبک گرایش صریح آن به واقعیت است. اوآکو بینسکا، جان گری، هادفیلد و بیرژی کندر، از جمله عکاسان مشهور این سبک هستند.

سایع

۱. ناسکا، جیمز عکاسی در قرن بیستم، ترجمه‌ی محمد سعاری، نشر بید، ۱۳۶۸.
۲. پورتو، آلی، باغ معصوم عکاسی، ترجمه‌ی رضا جواد و بهمن جلالی، سروش، ۱۳۶۵.

3. Dennis, Eryin, Applied photography, DeMerpabine, 1993.

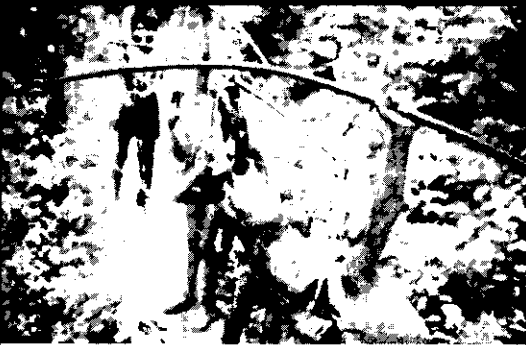
4. The oxford, Duden pictorial Dictionary, oxford unpress, 1989.



ادکانسی



بیل برانت



ناجیل دیکنسن

رشد آموزش هنر
۶۳
دوره پنجم / شماره چهار
تابستان ۱۳۸۷